

فرقه‌گرایی جدید معنوی: عرفان نوری بر اسلام‌گرایی ترکیه

احسان رهام^۱

چکیده

در بررسی عرفان‌های نوظهور و اندیشه‌های مطرح آنها در دنیای اسلام، رابطه سلبی میان عرفان و سیاست همواره یکی از مباحث چالش‌برانگیز محسوب می‌گردد. این در حالی است که برخی از دولت‌ها و جنبش‌ها در تاریخ اسلام ساختار و ماهیتی عرفانی دارند. از جمله این ارتباط ایجابی می‌توان به اسلام در ترکیه اشاره نمود که امروزه این نظریه در قالب دولت، در ترکیه حکمفرمایی می‌کند. این دیدگاه به شدت تحت تأثیر عرفان نوریست است. در این مقاله ضمن بررسی فرقه‌گرایی جدید، به محوریت عرفان نوری بر اسلام‌گرایی، با مطالعه موردی کشور ترکیه خواهیم پرداخت. سوال اصلی مقاله این است که آرای عرفانی نوری و جایگاه مهم این آراء، در جامعه ترکیه چگونه باعث گردیده تا طریقت نوریست در ترکیه و سایر نقاط جهان طرفداران بیشتری پیدا نماید؟ روش انجام تحقیق بصورت توصیفی-تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای می‌باشد. از جمله نتایج ملموس این است که طرفداران این عرفان معتقدند راه‌حل مشکلات، تنها در جریان اسلام‌گرایی فرهنگی-اجتماعی و همچنین روشنگری عقلی و قلبی بوده و این دیدگاه توانسته طرفداران بی‌شماری را در ترکیه و حتی جهان اسلام به خود جلب نماید. این جریان سیاسی-اجتماعی با تأکید بر مولفه‌هایی همچون توجه بر اتحاد جهان اسلام، رویکرد مثبت به دستاوردهای تمدن غرب، نقش پررنگ ابعاد اجتماعی اسلام، توجه به خدمت و رساندن منفعت به مردم، قرائت میانه روانه از اسلام، تأکید بر اسلام فرهنگی، مبارزه با جهل و تفرقه و تساهل نسبت به اقلیت‌های مذهبی به شدت متأثر از دیدگاه‌های عرفانی هست.

واژگان کلیدی: عرفان، نقشبندیه، طریقت نوریست، گولن، اسلام‌گرایی

^۱ کارشناسی‌ارشد علوم سیاسی، دانشگاه فارابی rhama9531@gmail.com

مقدمه

از جمله مسائل محل نزاع بین عرفان اصیل اسلامی و عرفان صوفیانه مسئله تعامل و سازگاری یا تضاد و تباین و ناسازگاری عرفان و سیاست است. به این معنا که برخی بر این باورند: «عرفان یک مقوله رازمدارانه و سرورزانه و متعلق به عالم معنا و مقام حیرت و هیمن است و سیاست از سنخ عالم ماده و دنیا و اجتماع و هشیاری است، لذا هیچ رابطه سازگارانه و آشتی‌مدارانه‌ای با هم ندارند. برخی رابطه این دو را در «عدم رابطه» با هم جستجو و تبیین می‌نمایند و در مقابل، برخی نیز بر این باورند که از حیث معرفت‌شناختی و جامعه‌شناختی تباین و تضاد بین عرفان و سیاست نخواهد بود، زیرا مهم این است که ما هر کدام از این دو را چه معنایی می‌کنیم و چه تصویر و تفسیری در ذهن خویش داریم. اگر عرفان را منقطع از عالم و آدم و جامعه و جهان و یک پدیده کاملاً تجردی و آسمانی معنا کنیم و از این معنا خلوت‌گزینی و انزواگرایی و درون‌گرایی صرف و در خود فرو رفتن؛ و عارفان را کسانی بدانیم که با هیچ احدی ارتباط نداشته و کاری به جامعه و جهانی که در آن زندگی می‌کنند ندارند، شناخته باشیم و سیاست را یک مقوله کاملاً این جهانی، مادیت-محورانه و نیازدگانه و سیاستمداران را فارغ از معنا و روحانیت و دور از حقیقت و رازهای هستی بشناسیم. آری چنین رهیافتی از عرفان و سیاست هیچ آشتی و همگرایی با هم ندارند و بلکه یکی ضد دیگری است. یکی از مهم‌ترین مشکلات تفکرات سیاسی در تاریخ ایران اسلامی که به خودداری و تولید اندیشه در اجتماع و سیاست معطوف گشته است، سایه سنگین و بلند اندیشه‌های عرفانی می‌باشد (کمالیان و صالحی نجف‌آبادی، ۱۳۹۴: ۱۵۲).

در سایر اندیشه‌ها در جهان اسلام نیز این مهم مطرح است، که یکی از مهم‌ترین و حساس‌ترین آنها، ترکیه و اندیشه‌های سیاسی-اسلامی مطرح در آن می‌باشد. آرای عرفانی نوری و جایگاه مهم این آراء، در جامعه ترکیه باعث گردید تا طریقت نوری در ترکیه و سایر نقاط جهان طرفداران بسیاری پیدا نماید. شاید این مباحث در ابتدا مرتبط با حوزه‌های عرفانی و تصوف بوده ولی در ادامه با ورود به مباحث اجتماعی و سیاسی، از حوزه نظری به حوزه عملی ورود پیدا نموده و تأثیرات بسیاری بر دیدگاه‌های اندیشمندان اسلامی ترک داشته است. براساس مدارک و مستندات، بدیع‌الزمان نوری ابتدا بر طریقت نقشبندیه تأکید کرده است؛ اما سرانجام با الهام از قرآن، طریقت نوری را برپایه چهار اصطلاح قرآنی: عجز، فقر، شفقت و تفکر ابداع کرد که در کلیات رسائل‌النور تبیین نموده است، بررسی آثار او به ما نشان می‌دهد که بدیع‌الزمان ضمن پذیرش محاسن بی‌شمار تصوف و طریقت‌ها، به ذکر آسیب‌ها و زیان‌های طریقت‌ها نیز پرداخته و از مزایای آنها در طریقت خود هم بهره برده است؛ بویژه تأثیرپذیری وی از طریقت نقشبندیه مشهودتر است. نوری یک جماعت دینی و اسلامی است که از نظر ساختاری به طریقه‌های صوفیانه نزدیک است. در واقع مکتبی عرفانی منسوب به بدیع‌الزمان سعید نوری و مهم‌ترین طریقت در ترکیه پس از نقشبندیه محسوب می‌شود. پیروان

نورسی را که نورسیه، نورجیه یا جماعت نور می‌گویند، خود به فرقه‌های متعدد با آداب، بینش و خط مش‌های کاملاً متفاوت (همسویی و خدمت به نظام تا خصومت و دشمنی علنی و بنیادین با آن) تقسیم می‌شوند. نورسی یک طریقت جدیدی براساس قرآن و سنت نبوی و با الهام گرفتن از طریقت‌های دیگر بخصوص طریقت نقشبندی تأسیس کرده است که دارای مشابهات و تفاوت‌هایی متمایزانی با بقیه طرق صوفیانه است. در شرایط کنونی ترکیه، نورسی با داشتن شاخص‌ها و ویژگی‌های خاص و برجسته خود، توانسته است بیش از نیم قرن پس از حیات خود، در ابعاد گوناگون فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اخلاقی نقش مهمی را ایفا کند. می‌توان گفت علت این همه اشتها و تأثیرگذاری وی، این است که تفکرات وی در قرآن، سنت و تمدن اسلامی ریشه دارد و به هیچ‌وجه از اصول اسلامی عدول نمی‌کند. دیگر اینکه وی تفسیری پویا و متناسب با زمان از دین اسلام ارائه می‌دهد که قادر به از بین بردن شرایط بحرانی این عصر باشد. در سالیان گذشته مردم ترکیه به دنبال قرائت‌هایی از اسلام رفته‌اند که چندین دهه در برابر اسلام‌گرایی سیاسی فعالیت می‌کردند که به اسلام‌گرایی اجتماعی و یا میان‌رو موسوم است. رهبری این جریان را فتح‌اله گولن برعهده دارد (نورالدین، ۱۳۸۲: ۱۹۴). جنبش فتح‌اله گولن در مرحله رشد جنبش‌ها و طریقت‌های دینی در ترکیه، یعنی در دهه ۸۰ قرن بیستم میلادی، سر برآورد. پژوهش حاضر، در تلاش است با بازخوانی و تحلیل آرای عرفانی بدیع‌الزمان نورسی که بعنوان تأثیرگذارترین شخص بر روی گولن بوده است، نقش و دیدگاه عرفانی ۸۱ و صوفی‌گری را در حوزه اسلام و مباحث اجتماعی و مدنی مرتبط، مورد تحلیل و بررسی قرار دهد.

۱- اسلام در ترکیه از منظر تاریخی

کشور ترکیه تقریباً ۶۰۰ سال مرکز خلافت دنیای اسلام بوده است. مردم آن دارای اعتقادات مذهبی عمیق و ریشه داری هستند؛ اما تفاوت مذهبی و اعتقاد به مذاهب مختلف در میان قشرهای مختلف مردم از ویژگی‌های بنیادی ساختار دینی ترکیه به شمار می‌آید. نخستین قانون اساسی کشور ترکیه در سال ۱۹۲۴، دین اسلام را بعنوان دین رسمی جامعه تعیین کرد؛ اما در اصلاحات قانونی سال ۱۹۲۸، این ماده قانونی حذف و با تأکید بر جدایی دین از سیاست، ترکیه کشوری با دولت و حکومت غیرمذهبی (لائیک)، یعنی تفکیک دین از سیاست، معرفی شد. بعدها در سال ۱۹۲۸، به هنگام تدوین قانون اساسی جدید، حاکمیت اصل لائیک مجدداً تصریح گردید. در ترکیه در زمینه اعتقادات دینی و مذهبی، وحدتی وجود ندارد و اعتقاد به مذاهب و طریقت‌های گوناگون در میان اقشار مختلف مردم رواج دارد. براساس آمارهای منتشر شده، حدود ۹۸ درصد مردم ترکیه را مسلمانان و ۲ درصد را مسیحیان و کلیمیان و پیروان دیگر ادیان تشکیل می‌دهند. از دوران بیزانس، که دوران آرامش آسیای صغیر نام گرفته است، حملات ایرانیان و اعراب به منظور گسترش

دین اسلام، این منطقه را دچار تحول عمیق کرد. اعراب بارها به آناتولی حمله کردند؛ اما این قبایل چادر نشین بودند که توانستند به مقاصد اعراب جامه عمل بپوشانند. این قبایل با گرویدن به دین اسلام دسته‌های اولیه اسلامی را تشکیل دادند و به منظور توسعه آن، راهی مناطق دیگر شدند. از نخستین مواجهه ترکان با جهان اسلام تا همه‌گیر شدن این دین آسمانی در میان آنان حدود سیصد سال طول می‌کشد. ترکان از سه طریق به جهان اسلام وارد شدند: نخست؛ پذیرفتن انفرادی اسلام از طریق بردگی، دوم؛ تغییر دین بصورت گروهی و پرداختن وظایف سپاهی‌گری به صورت ایلی و اداره جامعه، و سوم؛ تشکیل حکومت‌های ترک و همه‌گیر شدن اسلام میان آنان. این مرحله نزدیک به یک قرن به طول انجامید (۲۴۳-۳۲۳ق). نخستین حضور ترکان در سرزمین‌های غربی اسلامی، در دوره معتصم عباسی بود. وی که مادرش کنیزی ترک بود، ترکان را به عناصر ایرانی و عرب در دربار خود ترجیح داد. به این ترتیب، ترکان در نیمه نخست قرن سوم هجری بطور وسیع در دربار عباسی راه یافتند و خدمات آنان به درباریان، بویژه در سرکوب و قتل‌عام نهضت ایرانیان مخالف با اشغال‌گری اعراب، یعنی پیروان بابک خرم‌دین در آذربایجان، در تاریخ به ثبت رسیده است. پذیرش اسلام از سوی ترکان، اقوام و قبایل پراکنده و بیابان‌گرد را وارد عرصه تمدن و زندگی شهری ساخت و آنها را با فنون کشورداری آشنا کرد و در اواخر حیات سلسله عباسی، آنان به قدرتی مسلط بر تقریباً تمامی سرزمین‌های اسلامی تبدیل شدند. براساس آمارهای موجود، حدود ۷۵ درصد مردم ترکیه پیرو مذهب تسنن و از شاخه‌های حنفی و شافعی هستند. ۱۵ تا ۲۵ درصد آنان علوی و در بخش‌های شرقی و شمال شرقی در مرزهای ایران و جمهوری آذربایجان، اقلیتی از شیعیان دوازده امامی ساکن هستند. وجود فشارهای تاریخی و طولانی عثمانیان علیه شیعیان باعث پراکندگی پیروان مذهب جعفری در سرزمین آناتولی شده و به دلیل قطع ارتباط آنان با مراکز حوزوی و فکری فرقی متعدد و انحرافی از مذاهب تشیع در این سرزمین به وجود آمد (موثقی گیلانی و اعتمادی‌فر، ۱۳۹۳: ۱۹۰-۱۸).

یکی از دلایل رشد اسلام‌گرایی در جامعه ترکیه، ایجاد نظام سیاسی چندحزبی در سال ۱۹۴۶ بود؛ با ایجاد این نوع نظام سیاسی، حزب جمهوری‌خواه خلق (بعنوان حزبی که گفتمان کمالیسم را به تصویر می‌کشید)، موقعیت انحصاری خود را در قدرت سیاسی از دست داد؛ پس از این تاریخ، احزاب سیاسی مجبور بودند تا برای رسیدن به قدرت سیاسی به رقابت با احزاب دیگر بپردازند و به همین دلیل، اسلام به عاملی مهم در جذب آراء تبدیل شد؛ در این راستا، حزب دموکرات که برای ایدئولوژی کمالیسم، ارزش کمتری قائل بود، توانست بیشترین آراء را به دست آورد؛ در حقیقت هدف این حزب، مشروعیت بخشیدن دوباره به اسلام و ارزش‌های سنتی در قوانین رسمی ترکیه بود (امام جمعه‌زاده و همکاران، ۱۳۹۲: ۵۲)؛ یکی دیگر از عوامل رشد اسلام‌گرایی در ترکیه، تأثیرپذیری از انقلاب اسلامی ایران بوده است. همچنین به نظر می‌رسد عاملی دیگر، که بر گسترش اسلام‌گرایی در ترکیه تأثیرگذار بوده، اصلاحات اقتصادی و سیاسی انجام شده در زمان

نخست‌وزیری تورگوت اوزال در اواسط دهه ۱۹۸۰ باشد که بر تقویت گروه‌های اسلامی در جامعه ترکیه اثرگذار بوده، زیرا حرکت از اقتصاد دولتی به اقتصاد آزاد و خصوصی‌سازی به آزادی‌های مدنی نیاز داشت؛ این آزادی‌های مدنی، باعث رشد نسبی احزاب، جنبش‌های مدنی و مطبوعات شد و به تدریج زمینه را برای مطرح شدن مباحثی درخصوص عناصر اسلام سیاسی درون حوزه‌های عمومی فراهم آورد؛ در مجموع دولت‌های ناکارآمد، اقتصاد ناسالم، مشروعیت پایین، عدم رعایت حقوق بشر، سرکوب مخالفین و فقر از جمله عوامل بسترساز داخلی در تقویت جریان‌های اسلام‌گرا نظیر جنبش گولن محسوب می‌شوند (وفایی، ۱۳۸۰: ۲۴). دوره‌های مختلف اسلام‌گرایی در ترکیه را می‌توان به شرح جدول ذیل بیان نمود.

جدول شماره ۱) دوره‌های مختلف اسلام‌گرایی در ترکیه

دوره نخست	۱۹۲۳ تا ۱۹۵۰	فعالیت سری اسلام‌گرایان	در این دوران که با آغاز حکومت آتاتورک (۱۹۲۳ تا ۱۹۳۸) و حکومت جمهوری خواهان تا ۱۹۵۰ مصادف است، محدودیت‌های شدیدی برای اسلام‌گرایان به اجرا درآمد که از همین رو، به دوره اسلام‌زدایی معروف شد.
دوره دوم	۱۹۵۰ تا ۱۹۷۰	دوره احیا و آغاز فرایند بازگشت اسلام‌گرایی	فرآیند دموکراسی‌سازی گسترش یافت و فضای بازی برای گروه‌های دینی ایجاد شد که در نتیجه، دست‌یابی به آزادی‌های حداقلی نظیر فعالیت مدارس دینی را برای اسلام‌گرایان در پی داشت.
دوره سوم	۱۹۷۰ تا ۱۹۹۰	موج اول اسلام‌گرایی	اسلام‌گرایان سیاسی در این دوره فعالیت چشمگیری را از خود به‌جا گذاشتند و با تشکیل احزاب و مطبوعات و ... رسماً وارد فضای اجتماعی سیاسی ترکیه شدند.
دوره چهارم	از ۱۹۹۰ تاکنون	موج دوم اسلام‌گرایی	در این دوره شاهد روی کار آمدن قرائتی نواز اسلام با عنوان اسلام اجتماعی هستیم که امروزه بر فضای اسلام‌گرایی ترکیه حاکم است.

۲- فرقه‌ها، جنبش‌ها و عرفان‌های نوین دینی در ترکیه

ترکان پیش از پذیرفتن دین اسلام در سرزمین‌های مختلف آسیا و اروپا زندگی می‌کردند و دولت‌های گوناگون داشتند. در زمان فتوحات اسلامی، مسلمانان به ماوراءالنهر و به مرزهای ترک‌نشین رسیدند. در این سال‌ها، میان مسلمانان و ترکان جنگ‌های متعددی به وقوع پیوست. بعد از سال ۷۵۱م که جنگ تالاس صورت گرفت، بین مسلمانان و ترک‌ها ارتباطات نزدیک و گرمی به وجود آمد. بعدها ترکان آرام آرام، گاهی قوم به قوم و گاهی فرد به فرد، مسلمان شدند. دین اسلام در بسیاری از موارد، به دین ترکان شباهت داشت؛ زیرا آنان نیز قبل از اسلام آوردن خدای یگانه را می‌پرستیدند. علاوه بر این شباهت، آنچه موجب ایمان و پذیرفتن اسلام از سوی اکثر اقوام ترک شد، تعلیمات حیات‌بخش، نورانی و عدالت‌گستر اسلامی بود. ترک‌ها به خدای آسمان یا گوک تانری^۱ اعتقاد داشتند. در کتب تاریخ ثبت شده است که قبل از اسلام، اقوام ترک و بویژه اغوز^۲، برای شکر یا درخواست کمک، دست را به آسمان بالا می‌بردند و می‌گفتند: بیرتانری^۳؛ خدای واحد کمکمان کن!

ترکان در زمان عباسیان به صحنه حکومت آمدند و برای دولت، سربازان و لشکر فراهم کردند. آنان بعدها در مقابل امپراتوری بیزانس در جنگ‌های متعددی شرکت جستند و به مقامات بالا دست یافتند. بعد از فروپاشی عباسیان، حکومت اسلامی به دولت سلجوقیان ترک و بعد هم به دست امپراتوری عثمانی کبیر افتاد و این سلطه تا اواخر فروپاشی عثمانیان (۱۹۲۴م) ادامه یافت (سجادی، ۱۴۲۳: ۱۲). در سال‌های بعد آتاتورک قرآن کریم و اذان را به زبان ترکی ارائه نمود. نقشه مکارانه‌ای در حال انجام گرفتن بود. هرچه مسلمانان از اسلام دورتر می‌شدند، غربی‌ها خوشحال‌تر بودند. گلاستون^۴ وزیر مستعمرات انگلستان در پارلمان این کشور قرآنی به دست گرفت و در توجیه شکست‌های خود گفت: «تا زمانی که این قرآن در دست مسلمانان است، ما نمی‌توانیم بر آنان حکومت کنیم. باید کاری کرد و این کتاب را از آن‌ها دور ساخت» (ولدبیگی، ۱۳۹۵: ۶۱). بعد از سال‌های ۱۹۳۱م در کتب (راهنمایی، دبیرستان و دانشگاه) مدارس دولتی، مستقیماً انکار خدا مطرح شد و کوشیدند جوانانی بی‌دین پرورش دهند. آتاتورک می‌گفت: «پرستش یک خدا، نتیجه سیاست‌های جهانی است». همچنین «قرآن وحی نیست، بلکه کلام بشر است». وی می‌افزود: «اگر تاریخ را جستجو و بررسی کنیم، خواهیم دید که محمد یکبارہ نگفته من پیامبر خدایم! او ابتدا از عادات و رسوم بد عرب ناراحت شد و خلوت گزید و در آنجا سال‌ها و سال‌ها تفکر کرد و سرانجام چیزهایی را که از ادیان موسی و عیسی آموخته بود، با تفکرات خود مخلوط کرد و به مردم القا نمود». با این اندیشه‌ها بود که اذان را خاموش کردند،

¹ Gok Tanri

² Oguz

³ Bir Tanri

⁴ Gladstone

ذکر و اسم «اله» و «محمد» در روزنامه و مجلات ممنوع شد و در بسیاری جاها قرآن را جمع‌آوری کردند و سوزاندند (مطهری، ۱۳۷۳: ۷۶-۷۵). ترکیه همانند ایران از پرجمعیت‌ترین کشورهای خاورمیانه به شمار می‌آید. آماری دقیق درباره مذاهب جمعیت ترکیه در دست نیست، اما عمده مردم تابع مذاهب اهل تسنن‌اند، اکثریت آنان حنفی‌اند و باقی مانده از مذهب شافعی تقلید می‌کنند. اکثر طرفداران حنفیه را ترکان و بیشتر شافعیان را کردها تشکیل می‌دهند. در ترکیه مالکیان و حنبلیان بسیار اندک‌اند. گسترش مذهب حنفی، چنان که گذشت، بوسیله دولت سلجوقی‌ها و امپراتوری عثمانی صورت گرفت. آتاتورک بعد از بستن مساجد، خانقاه‌ها، طریقت‌ها و دایره مشایخ عثمانی، برای زیرنظر داشتن دین اسلام در ترکیه، به سال ۱۹۲۴ م دیانت ترکیه را تأسیس کرده که تا به حال نیز تداوم یافته است. بعضی از مواد قانون اساسی ترکیه چنین است:

۱- خارج شدن دیانت از ارزش‌ها و اهداف آتاتورک، جرم است؛

۲- دیانت حق ندارد در بعد سیاسی اسلام کاری انجام دهد و در غیر اینصورت پیگرد قانونی دارد؛

۳- دیانت فقط می‌تواند احکام نماز، روزه، حج و مواردی از این قبیل را به مردم بیاموزد؛

۴- دیانت گونه‌ای موسسه و منصوب دولت لائیک است.

در ترکیه بیش از هفتاد هزار مسجد وجود دارد که به جزء مساجد شیعه، همه زیرنظر دیانت است. دیانت هر هفته خطبه‌های جمعه مساجد را مشخص می‌کند و هر هفته در همه مساجد کشور یک خطبه خوانده ۸۵ می‌شود. برای اینکه از محتوای این خطبه‌های جمعه باخبر شویم، به موضوع برخی از آنها اشاره می‌کنیم. در سال ۱۹۹۴ م محتوای یکی از خطبه‌ها این بود که اطاعت از حکومت لازم است؛ هرچند ظالم باشد. توجه به جنگل‌ها، برتری دولت ترکیه بر سایر دولت‌ها، اسراف و زیان‌های آن، موضوعات برخی از خطبه‌ها بوده‌اند (ارول قلیچ، ۱۳۸۲: ۴۱۹).

در میان اهل سنت ترکیه بعد از حنفیان، شافعیان بیشترین جمعیت را به خود اختصاص داده‌اند. اینان که بیشتر گردند، به اهل بیت (ع) علاقه بسیار دارند. اکثر کسانی که از تسنن به تشیع عدول می‌کنند و مذهب جعفریه را می‌پذیرند، جوانان شافعی‌اند. شافعی‌ها نسبت به حنفی‌ها علاقه بیشتری به دین اسلام دارند و بیشتر دانشمندان و نویسندگان ترکیه در میان آنها پرورش می‌یابند. در میان اهل تسنن ترکیه، دو طریقت بسیار معروف است که یکی از آنها را نورجی و دیگری را نقشبندی می‌نامند. در بین جوانان اهل سنت، نورجی‌ها نفوذ بیشتری دارند، ولی عوام‌الناس متمایل به طریقت نقشبندی‌اند. گروه‌های دیگری هم در بین اهل سنت وجود دارد که از جمله آنها یازجیلر، کایلانجیلر، گروه سامی افندی و گروه محمود افندی است که البته پیروان چندانی ندارند. در ادامه به برخی از طریقت‌ها و اندیشه‌ها می‌پردازیم:

۲-۱- نورجی‌ها

بنیانگذار این طریقت بدیع‌الزمان نوری است که به سال ۱۹۶۰م از دنیا رفته است. این طریقت بعد از فوت سعید نوری در مدتی کوتاه به دسته‌های مختلفی منشعب شد، ولی دوباره توسط فردی به نام فتح‌اله گولن زیر یک چتر گرد آمد. فتح‌اله گولن در سال ۱۹۱۷م به خاطر فعالیت‌های بنیادگرایانه و ضدیت با رژیم لائیک به سه سال زندان محکوم شد. نورجی‌ها رهبر اصلی خود را رسول اکرم (ص)، رهبر افکار جماعت خود را سعید نوری و رهبر امروزه خود را فتح‌اله گولن می‌دانند. گولن وعظ‌های خود را همیشه با چشم‌گریان انجام می‌داد و این چنین توجه مردم را به خود جلب می‌کرد. شبکه تلویزیونی وی که STV نام دارد، هر روز سخنرانی‌ها و خطبه‌های او را پخش می‌کند. جماعت نورجی‌ها فتح‌اله گولن را «مهدی منجی» و «عیسی» می‌نامند (ازدالگا، ۱۳۸۹: ۴۲۸). نورجی‌ها که شهر ارزروم را برای فعالیت‌های اولیه خود انتخاب کرده‌اند و در آن شهر نفوذ قابل توجهی دارند، دارای یکی از منظم‌ترین تشکیلات دنیا هستند.

۲-۲- طریقت نقش‌بندی

پس از سال ۱۹۷۰م طریقت نقش‌بندی در میان اهل سنت ترکیه گسترش بسیار یافته است. اینان امروزه اگرچه نه به اندازه طریقت نور، اما به نوبه خود فعال‌اند. مثبت‌ترین کاری که نقش‌بندی‌ها؛ بویژه یک گروه آنان به نام «اشیکلار» انجام داده‌اند، خنثی کردن تبلیغات و نفوذ وهابیت در کشور است. مریدهای این طریقت، خانه به خانه گشتند و کتابی به نام سعادت ابدیه را در میان مردم پخش کردند که محتوای آن نقدهایی بر عقاید وهابیت بود. امروزه کمپانی اخلاص و شبکه تلویزیونی TGRT در دست آنان است که می‌توان گفت این رسانه تلویزیونی بزرگترین دشمن افکار شیعه اثنی عشری است (ارول قلیچ، ۱۳۸۲: ۴۲۸).

۲-۳- شیعه (جعفریه یا اثنی عشریه) در ترکیه

در ترکیه کنونی حدود یک میلیون جعفری مذهب وجود دارد. اکثریت این شیعیان در جنگ جهانی اول از ایران، آذربایجان و ارمنستان وارد سرزمین ترکیه شده‌اند. عده دیگری از آنان هم بعد از جنگ جهانی دوم از روسیه فرار کردند و از طریق دولت آلمان به ترکیه مهاجرت نمودند. جعفری‌های دیگر ترکیه را هم مستبصران تشکیل می‌دهند. در این دو دهه اخیر، جوانان شافعی، مذهب جعفریه را پذیرفته‌اند. در سال‌های بعد از ۱۹۷۰م، شیعیان برای اشتغال از دو شهر ترکیه (قارص و اغدیر) به شهرهای بزرگ ترکیه و نیز خارج از کشور، بویژه آلمان مهاجرت کردند. همچنین در زمان درگیری ارتش و پ.ک.ک. جعفری‌ها باز هم به غرب ترکیه کوچ کردند و این موجب شد نام جعفریه در ترکیه بر زبان‌ها بیفتد. شهر هم مرز ایران، قارص، پیش‌تر مرکز شیعیان ترکیه به حساب می‌آمد، ولی امروزه مرکز آنان استانبول است. بعد از انقلاب اسلامی ایران، شیعیان نیز مانند سایر مذاهب ترکیه، مشغول فعالیت شدند. در سال ۱۹۸۹م در استانبول فقط یک مسجد از آن

شیعه بود و آن هم به ایرانیان تعلق داشت، ولی امروزه در استانبول بیش از سی مسجد جعفریه وجود دارد. همچنین در شهرهای مختلف کشور، اعم از آنکارا، بورسا، ازمیر، قارص و اغدیر بیش از ۲۵۰ مسجد شیعه برای عبادت باز است.

۲-۴- یهودیت در ترکیه

در ترکیه به یهودیان «جماعت موسوی» گفته می‌شود. آمدن موسویان به ترکیه در زمان دولت عثمانی اتفاق افتاد. در تاریخ آمده است که پادشاه بزرگ اسپانیا، فردیناند^۱، فرمان داده بود که همه غیرمسیحیان تبعید یا اعدام شوند. در پی این فرمان، عده‌ای از یهودیان اعدام شدند و بقیه در سال ۱۴۹۲م با فرمان بایزید دوم، پادشاه عثمانی، به استانبول آورده شدند. به همین سبب، یهودیان ترکیه در سال ۱۹۹۲م، به مناسبت پانصدمین سال آزادی خود از اسپانیا و سپاسگزاری از ترک‌ها جشن بزرگی برپا کردند. یکی از سرمایه‌داران معروف ترکیه، اسحاق آلتون، می‌گوید: «ما موسویان ترکیه حدود صد هزار نفر بوده‌ایم که این رقم به ۲۵ هزار نفر کاهش یافته و بیشتر یهودیان به اسرائیل کوچ کرده‌اند» (ازدالگا، ۱۳۸۹: ۲۳۶).

۲-۵- شیطان پرستان در ترکیه

شیطان پرستی^۲ در ترکیه بعد از انتحار مشکوک دو جوان (۱۹۹۹م) مورد توجه رسانه‌های گروهی قرار گرفت،^{۸۷} اما امروزه نیز این دین جدید در ترکیه هرچند نه به اندازه پیش مطرح است. بنیانگذار این آئین مردی اصالتاً قفقازی به نام آنتون لای^۳ است. وی به سال ۱۹۶۶م در سانفرانسیسکو یک کلیسای شیطان بنا کرد و بعد از آن آئین شیطان پرستی در جهان گسترش یافت. این فرقه در اصل با ادعای مخالفت با اعتقادات پوچ مسیحیت به وجود آمده و بعد از آمریکا وارد مغرب زمین شده است. به نظر آنتون لای «انسان موجودی است خودبین، خودخواه و منفعت جو و در این صورت باید از انسان بترسیم، نه از شیطان. آفریننده جهان که خداست، خالق بدی است و شیطان دشمن او و طرفدار ماست». کتاب مقدس شیطان پرستی که نویسنده-اش آنتون لای است، انجیل شیطان^۴ نام دارد. اعداد ۱۳ و ۶۶۶ در شیطان پرستی اعدادی مقدس و شیطانی شمرده می‌شوند. اینان در مراسم خود از گربه استفاده می‌کنند و می‌گویند گربه نزدیک‌ترین حیوان به شیطان است. امروز مرکز شیطان پرستان در جهان، کشور نروژ است (ازدالگا، ۱۳۸۹: ۲۲۸).

^۱ Ferdinand

^۲ Satanizm

^۳ Anton Lavey

^۴ Satan Bible

۲-۶- طریقت بکتاشیه

این طریقت منسوب به حاج بکتاش ولی (۷۳۸ ق) صوفی پرآوازه قرن هفتم قمری؛ و معاصر مولوی است. زادگاه وی نیشابور و مدفن او آناتولی است. وی بنیان‌گذار یکی از طریقت‌های بزرگ صوفیه که نقش موثری در زندگی مادی و معنوی شهروندان خلافت عثمانی داشته و حیات خود را تا به امروز هم به ادامه داده است. علویان ترکیه خود را از مریدان حاج بکتاش ولی می‌دانند و سردمداران ترکیه بصورت رسمی در مراسم‌های مختلف مثل بزرگداشت حاج بکتاش شرکت می‌کنند (زارع، ۱۳۸۲: ۲۵۳).

۲-۷- طریقت مولویه

این طریقت به مولانا جلال‌الدین محمد بلخی (۶۷۲ ق.م) منسوب است. مولویه دارای آثار مدون، آداب و مراسم دسته‌جمعی خاصی است. پیروانش در ترکیه، سوریه و بالکان پراکنده هستند و بیشترین شهرت آنها به خاطر مراسم سماع مولویه است که هر سال بصورت رسمی در قونیه برگزار می‌شود.

۲-۸- طریقت قادریه

بنیان‌گذار این طریقت عبدالقادر گیلانی (۴۷۵ - ۵۶۵ ق.م) است که جایگاه والایی در تصوف اهل سنت و ۸۸ در شمال آفریقا و خاورمیانه دارد. از ویژگی‌های مشخص این طریقت؛ انجام اعمال خارق‌العاده در مجلس ذکر مثل فرو بردن میله‌های فلزی در بدن، بلعیدن تیغ، کوبیدن میخ بر سر و ... است. این طریقت دارای بنیادی فرهنگی به نام «خیریه تحقیقات علمی مرکزی طرابوزان» با بیش از نود شعبه در سراسر ترکیه و شبکه تلویزیونی «ماژتی وی» (به معنای پیام) است. این طریقت معتقد به عدم دخالت در امور سیاسی می‌باشد و در احزاب راست مثل «مام میهن» و «راه راست» نفوذ دارد (ازدالگا، ۱۳۸۹: ۲۲۸).

۳- نورسی و تصوف

انسان خدا و طبیعت و تبیین جایگاه انسان و نوع ارتباطش با خود، خدا و طبیعت موضوعی است که همواره ذهن متکلمان و فلاسفه و عرفا را به خود مشغول داشته است. متصوفه با بهره بردن از شیوه‌های مبتنی بر مشاهدات باطنی، انسان را به تزکیه نفس و درون، دعوت می‌کنند تا با شناخت خویشتن موفق به شناخت پروردگار و بدست آوردن آرامش روحی گردد. صوفیان فنا فی‌اله را برای خود هدف قرار می‌دهند و با طی طریق در مسیر سیر و سلوک امیدوارند آئینه دل را چنان صیقلی کنند که تمام حقایق هستی در آینه دلشان تبلور یابد. برای تصوف تعاریف گوناگونی ارائه شده است. نورسی در تعریف تصوف می‌گوید: «تصوف شیوه اسرارانگیز کسانی است که درصدد کشف حقایق و شناخت خداوند هستند آنطور که شایسته اوست». آنها با

تطهیر قلوبشان درصدد سیر و سلوک روحانی هستند و با ذوق و شوق و ایمان مظهر حقایق قرآنی می‌گردند (نوروزی فیروز، ۱۳۹۲: ۹۷).

در بحث غایت تصوف سعید نوری می‌گوید انسان دارای دو بعد روحانی و جسمانی است و طریقت‌های صوفیانه غالباً در پی شناخت جنبه‌های روحانی انسان هستند. آنها بر طهارت قلب تأکید می‌کنند و طبق نظر امام ربانی (احمد سرهندی) ملقب به مجدد الف ثانی همه طریقت‌های صوفیانه می‌خواهند حقایق ایمانی را به دل‌ها رسوخ دهند. زمانه‌ای که نوری می‌زیست زمانه تسلط تدریجی ماده‌انگاران بر امور معنوی و روحانی بود. او از طریقت‌هایی که غافل از اوضاع زمانه صرفاً به ذکر و برگزاری آئین‌های تصوفی می‌پرداختند گاه و بی‌گاه انتقاد می‌کرد. بدیع‌الزمان در بخشی از مکتوبات خود می‌نویسد: «گمان می‌کنم اگر شیخ عبدالقادر گیلانی و شاه نقشبند و امام ربانی امروز زنده بودند تمام هم و غم‌شان را صرف تقویت حقایق ایمانی و عقاید اسلامی می‌کردند». او در ادامه می‌افزاید: «مدار سعادت ابدی همین هاست. بی‌توجهی به حقیقت ایمان و اسلام شقاوت ابدی را در پی دارد. کسی بدون ایمان وارد بهشت نمی‌شود اما بسیاری کسانی که بدون طریقت وارد بهشت می‌شوند. انسان بدون نان نمی‌تواند زنده بماند اما اگر میوه نخورد طوری نیست و نخواهد مرد. تصوف میوه است و حقایق اسلامی حکم نان و غذا را دارد». او با این حال در بسیاری از موارد در برابر منکران دین از اهل تصوف دفاع کرده است. او حتی در جایی می‌گوید رساله نور خلاصه و چکیده آموزه‌های طریقت - ۸۹ های دوازده گانه بر حق است. نوری بر لزوم تبعیت از سنت پیامبر (ص) در طریقت‌های صوفیانه نیز تأکید می‌کند و می‌گوید: «پیروی از سنت ثنیه در تصوف اهمیت فراوانی دارد. این راه نورانی‌ترین زیباترین و غنی‌ترین راه است. صوفیان باید در افعال و حرکات خویش از سنت پیامبر (ص) تقلید کنند و در کارها احکام شرعی را مورد توجه قرار دهند»، او برای طریقت‌های صوفیانه مزایا و آفاتی را برمی‌شمرد. ایشان در نامه بیست و نهم در مکتوبات می‌گوید کسانی که قبل از آشنایی کامل با اصول دین و سنت پیامبر، وارد طریقت شوند، در معرض آفات گوناگونی هستند. برخی از خطراتی که از نظر بدیع‌الزمان چنین کسانی را تهدید می‌کند عبارتند از: ترجیح ولایت بر نبوت / ترجیح اولیاء اله بر انبیاء / اولویت دادن به اوراد و اذکار به جای توجه تام به سنت پیامبر / یکی دانستن الهام و وحی / دل دادن به کرامات و احوال نورانی و ترجیح آنها بر عبادات. او در همان جا بار دیگر تکرار می‌کند بدون شریعت نمی‌توان به بهشت رفت اما کسانی که بدون طریقت به بهشت می‌روند فراوانند. بدیع‌الزمان فواید تصوف را در رساله تلویحات تسعه خود به ترتیب ذیل ذکر می‌کند. او می‌گوید:

حقایق ایمان در سایه طریقت‌هایی که از راه راست منحرف نشده‌اند ظهور می‌یابد. سالک طریق بواسطه آموزه‌های طریقت متوجه قلب می‌شود و حواس ظاهر و باطن خود را متوجه خالق یکتا می‌سازد. فردی که

در طریقتی به سیر و سلوک می‌پردازد در واقع می‌کوشد شبهات و گمراهی‌ها را کنار بگذارد. سالک طریق ذوق محبت اله را می‌چشد. فرد در سایه تعالیم طریقتی و قلبی آگاه پی به لطایف تکالیف شرعی و دینی می‌برد. صوفی به مقام توکل و رضا و مرتبه تسلیم محض می‌رسد و لذت حقیقی را تجربه می‌کند. مهمترین نتیجه‌ای که در راه تصوف حاصل می‌شود خلاصی یافتن از شرک خفی و رذائل دیگر است. کسی که مشغول ذکر قلبی می‌شود و به کمک عقل و خرد به آرامش می‌رسد می‌تواند عادات را تبدیل به عبادات کند. سالک طریق با سیر انفسی و مبارزه با نفس به تکامل معنوی دست می‌یابد و می‌تواند تا انسان کامل شدن پیش برود. سعید نوری بعد از برشمردن مزایای طریقت‌های تصوفی اضافه می‌کند که سرچشمه تمام حقایق، قرآن است و آنگاه می‌گوید خود به کشف طریقتی موفق شده است که مبتنی بر چهار پایه قرآنی عجز، فقر، شفقت و تفکر است. اوراد و اذکار این طریقت نیز تبعیت از سنت رسول اله، انجام واجبات و ترک گناهان کبیره است. سالک این طریق، باید نماز را با حضور قلب به جا آورد و مستحبات بعد از نماز را با دقت انجام دهد. مطالعه آثار نوری و مراحل مختلف زندگی او نشان می‌دهد که بدیع‌الزمان هیچگاه دلبستگی خاصی به طریقت‌های صوفیانه زمان خود نداشته است هرچند همواره از صوفیان به احترام یاد کرده و گاه انتقاداتی را بر آنها وارد نموده است. دستیابی به حقیقت برای او اهمیت داشت و در این مسیر قرآن را حبل‌المتین می‌دانست. او در مکتوبات، این عبارت را از امام ربانی نقل می‌کند که ظهور مسالهای از حقایق ایمانی برای من مهم‌تر از هزاران ذوق و مکاشفه است. نوری در مجموع به تصوف نگاه مثبتی دارد. می‌گوید: «اهل تصوف و طریقت اگر در مسیر قرآن باشد از اسرار بزرگ انسانی و کمال بشری آگاه می‌شود. غایت و هدف اصلی اینان معرفه‌اله است. آنها می‌خواهند در سایه معراج پیامبر با مرکب دل و با کوشش در مسیر معنوی سیر و سلوک به حقیقت ایمان برسند. آنها به لحاظ ذوقی و شهودی مظهر حقایق قرآنی و ایمانی هستند. ایشان برای تصحیح مسیر برخی طریقت‌ها بر ذکر توأم با تفکر تأکید می‌کند. او این دو را اگر در کنار هم باشند کلید ترقی معنوی می‌داند. نوری ذکر توأم با تفکر را علاوه بر سعادت اخروی موجب آرامش در این جهان نیز می‌داند. او با مشاهده مبالغه‌ای که برخی از صوفیان در مبحث ولایت می‌کنند بر ارتباط خاص ولایت و نبوت پای می‌فشارد. آنها را کامل کننده هم می‌نامد و با نگاه تألیفی خاص خود می‌گوید ولایت یکی از حجج رسالت است و طریقت نیز یکی از برهان‌های شریعت است (نوزانی، ۱۳۹۳: ۸۴).

او با مشاهده مقام والایی که برخی صوفیان برای اقطاب خود قائل بودند و بی‌توجهی آنان به صحابه با تأکید بیان می‌دارد که بعد از پیامبر (ص) صحابه برترین انسان‌ها هستند و در این خصوص در میان صاحبان همه مذاهب اهل سنت اجماع وجود دارد. او صحبت و هم‌نشینی با پیامبر را اکسیری می‌داند که تجربه کنندگان آن ولو در اندک زمان، برتر از کسانی خواهند بود که سال‌ها به سیر و سلوک می‌پردازند. او صحابه رسول (ص) را برتر از همه اولیاء می‌داند و دلیل آن را وظیفه بی‌نظیر و شخصیت متعالی پیامبر (ص) ذکر می‌کند.

سعید نوری از سوی دیگر خود را موظف به پاسخگویی به مخالفان تصوف می‌داند. مخالفان را دو گروه می‌داند و می‌گوید گروه‌های منحرف در میان اهل تصوف ضربه سهمگینی بر پیکر این درخت تنومند وارد می‌کنند. اینان در قدم اول باعث برانگیختن مخالفت‌ها و انکارها در ارتباط با اصل مکتب تصوف می‌شوند. با این حال او گروه دوم را بیشتر مقصر می‌داند و وجود آنها را مایه تأسف می‌نامد. سعید نوری آنها را منحصر در چارچوب مذهب اهل تسنن می‌نامد و مشخصاً از دو طیف نام می‌برد اول علمای ظاهر که فقط و فقط درگیر الفاظاند و دیگر غافلان اهل سیاست. بعبارت دیگر عالمانی که مشکل‌شان با صوفیان در لفظ و کلمه و ظاهر است و سیاستمدارانی که طریقت‌ها را مانع رسیدن به پیشرفت‌های ظاهری به سبک غرب می‌دانستند. بدیع‌الزمان در بیان سیر و سلوک درست و تصحیح اعمال گاه جاهلانه و اغراق‌آمیز پیروان برخی طریقت‌های زمان خود می‌گوید این سفر روحانی دو قسم است؛ انفسی و آفاقی. سفر در سیر انفسی از خود آغاز می‌شود و در خود است. سالک چشم خود را بر حقایق بیرونی می‌بندد و بر درون و باطن خود متمرکز می‌شود. اینجا تعالیم تصوف از انسانیت فرد گذر می‌کند راهی از درون می‌یابد و پی به حقیقت می‌برد. او آنگاه نظر بر آفاق می‌کند و جهان بیرون را نورانی می‌یابد. سالک در انتهای سیر انفسی حقیقتی را در درون خود می‌یابد که با چشم گشودن به جهان خارج آن را در همه زوایای هستی مشاهده می‌کند. نوری می‌گوید این شیوه کسانی است که ذکرشان خفی است، و بر سه پایه استوار است: شکستن انسانیت، ترک امیال دنیوی، و از بین بردن ۹۱ نفس اماره.

تصوف در مرتبه سوم نظام فکری و اعتقادی سعید نوری قرار دارد. تأکید او در درجه اول بر قرآن است آنگاه لزوم آشنایی با سنت پیامبر را یادآور می‌شود و در مرتبه سوم تصوف قرار دارد. او مدام به یاران و اطرافیان و هوادارانش یادآور می‌شود که فرد پیش از ورود به طریقتی مشخص می‌بایست ایمان خود را با شناخت کتاب خدا و سنت پیامبر به مرحله مورد قبولی برساند. سعید نوری در پاسخ به فردی که از او پرسید آیا درس‌های تصوفی می‌دهد یا نه پاسخ می‌دهد: «آنچه ضروری و لازم است اسلام است، زمانه زمانه طریقت نیست». او هنگام مطالعه چهار اصل اساسی طریقت نقش‌بندیده که عبارت است از ترک دنیا، آخرت، هستی و ترک ترک، و بعدها پس از آشنایی با نظریه وحدت وجود محی‌الدین ابن عربی و وحدت شهود احمد سرهندی ملقب به مجدد الف ثانی چهار عنصر اصلی تشکیل دهنده طریقت خود را ذکر می‌کند: فقر مطلق، عجز مطلق، شکر مطلق و شوق مطلق. او می‌گوید این راه علاوه بر اینکه بر آیات قرآن استوار است نزدیک‌تر نیز هست. مراحل ترقی در طریقت او عجز و فقر و شفقت و تفکر است. او هریک از مراتب مذکور را تحت نامی از نام‌های خداوند مورد بررسی قرار می‌دهد. می‌گوید عجز آدمی را به حب الهی که همه چیز را دربر گرفته است رهنمون می‌شود. فقر، سالک را متوجه رحمت کلیه حضرت حق می‌کند. شفقت، یادآور مهربانی و شفقت مطلق اوست

و و تفکر، سالک طریق را به شناخت حکمت حق تعالی نائل می‌کند. به این ترتیب طریقت موردنظر او از طریقت‌هایی که در سیر و سلوک به هفت مرتبه قائلند و ذکرشان خفی است و همچنین از آنها که به مراتب ده‌گانه قائلند و ذکرشان آشکار و جلی است متمایز می‌شود. نوری البته مجموعه نظرات خود را هیچگاه طریقت ننامید. او می‌گفت این مطالب بیان دیگری از شریعت است و هدف از بیان آن نشان دادن عجز انسان در برابر خداوند است. سعید نوری می‌گوید سالک برای رسیدن به معرفه‌اله باید چهار گام بردارد. اول اینکه به تزکیه نفس قیام کند. باید درون خود را از آلودگی‌ها پاک ساخته و از هوی و هوس‌ها دوری گزیند. دوم؛ خداوند را در همه جا و همیشه ناظر بداند. سوم اینکه در مقابل خالق یکتا متوجه قصور و کمبودهای خود شود و توبه کند. همه خوبی‌ها را از خدا و بدی‌ها و نقص‌ها را از خود بداند. سالک در مرتبه پایانی به ادراک آیه کریمه کل شی هالک الا وجه نائل می‌شود.

سعید نوری زندگانی خود را به دو بخش تقسیم می‌کند و از سعید قدیم و سعید جدید سخن می‌گوید. زندگی سعید جدید با مطالعه آثار عبدالقادر گیلانی و تحت تأثیر اندیشه‌های عرفانی او شکل می‌گیرد. او در بخشی از رساله نور که به لاحقہ امیرداغ معروف است می‌گوید: «رساله نور خلاصه و زبده دوازده طریقت بزرگ و اصیل است»، و ادامه می‌دهد «رساله نور نه از علوم شرق تغذیه کرده است نه از علوم غرب؛ منشا مطالب مطرح شده در این رساله مستقیماً قرآن است». او در رساله طریقت مندرج در مکتوبات یادآور می‌شود که تعداد راه‌های رسیدن به خداوند به تعداد انسان‌هاست و همه این راه‌ها در شاهراه قرآن مجید قرار دارد. بیشتر مطالبی که بدیع‌الزمان در رساله نور ذکر می‌کند اشاره‌ای ولو اندک به زندگی و سخنان صوفیان دارد. در رساله نور از عرفایی چون حسن بصری، جنید بغدادی، شقیق بلخی، مولانا و عبدالقادر گیلانی به کرات نام برده می‌شود. او در کتاب مثنوی نوری بعد از ذکر نام تعدادی از عارفان می‌گوید: «همه این دوستان در آن عالمند. آیا اشتیاق رفتن به آن عالم در تو هست؟ لذت‌ها به عسل زهرآگین شبیه‌اند. روی دیگر لذت درد و الم است. مرگ رفتن به نزد دوستان است. ببین دوستان در آن عالمند» (فکری، ۱۳۹۲: ۵۶).

سعید نوری از عبدالقادر گیلانی از صوفیان شناخته شده و امام ربانی معروف به مجدد الف ثانی که پیرو و در عین حال منتقد این عربی است تأثیر پذیرفته است. او در جایی از عبدالقادر با عنوان مرشد قدسی و استادم یاد می‌کند. در جایی دیگر می‌گوید: «اگر خبردار شوم که امام ربانی در قید حیات است تمام کارهایم را رها کرده به هند می‌روم تا در محضر او باشم». سعید نوری در جایی از علاقه‌اش به مولانا گفته و بیان داشته است که او مثنوی خود را به فارسی نوشت و من به عربی. او در مقدمه مثنوی عربی خود ارادتش به مولانا را به زبان می‌آورد. بدیع‌الزمان برای مولانا چنان احترامی قائل بود که وقتی به قونیه می‌رفت از جایی کفش‌هایش را درمی‌آورد و پابرهنه راهی مزار این عارف بزرگ می‌شد (ازدالگا، ۱۳۸۹: ۲۲۸).

۴- دیدگاه‌های اسلام اجتماعی

یکی از عوامل مهم در پیشرفت و رشد اسلام در ترکیه می‌توان به اقدامات اسلام‌ستیز جریان‌های سیاسی در گذشته اشاره کرد. بطوریکه سرکوب جریان‌های اسلامی تأثیر بسزایی در رشد آنها داشته است. برخی از جریان‌های اسلام‌گرا با بررسی و تحلیل رویدادها به این نتیجه دست یافتند که قرائت جدیدی از اسلام و آموزه‌های آن بکار برند و در برابر اسلام سیاسی، اسلام اجتماعی را مطرح کنند. اسلام سیاسی در دهه‌های گذشته بسیار هزینه‌بردار بوده و فعالیت‌های آن با شکست مواجه شده بود. اسلام اجتماعی یا میانه‌رو برگرفته از اندیشه‌های نوری و با محوریت فتح‌اله گولن بوده است (نورالدین، ۱۳۸۲: ۱۹۴). امروزه جریان اسلام‌گرایی میانه‌رو بزرگ‌ترین گروه مذهبی در ترکیه به شمار می‌رود. رهبران این جنبش سعی نموده‌اند با استفاده از ویژگی‌های زندگی غربی و جوامع آنها، زندگی جدید ساده و عارف‌گرایانه خود را سرمشق دیگران قرار دهند. یک روزنامه‌نگار ترک درباره فتح‌اله گولن می‌گوید: «جمله‌هایش را با استغفراله شروع می‌کند. آرام و مؤدبانه سخن می‌گوید. بسیار فروتن است. با آهنگی یکنواخت وعظ می‌کند. در جمله‌هایش قواعد دستوری را کاملاً رعایت می‌کند و از واژگان دوره عثمانی بسیار بهره می‌گیرد». (انتخابی، ۱۳۹۲: ۳۲۱).

جنبش اسلام اجتماعی در تقریباً در دهه ۸۰ میلادی قرن بیستم در ترکیه ظهور نمود و در بین طریقت‌ها و جنبش‌های دیگر در اجتماع خود را درخشان‌تر نشان داد. پس از اتفاقات نظامی و انجام کودتا در آن دوران^{۹۳} توسط کنعان اورن و اصلاحات سیاسی و فرهنگی که در باب مطبوعات و آزادی و ... صورت گرفت، سبب شد که جنبش‌های دینی به شکوفایی و رشد مناسب دست یابند. یکی از جریان‌ها و جنبش‌ها، طریقت نوری بود که توسط فتح‌اله گولن احیاء گردید (فلاح، ۱۳۸۹: ۲۲۲-۲۰۵).

از جمله اصول مهم اندیشه اسلام اجتماعی این است که آنها دشمنان اصلی جامعه اسلامی را فقر و جهل و تفرقه می‌دانند و راه مقابله با آن را نیز در کسب علم، تلاش و اتحاد می‌بینند. آنها درصدد توازن بین ایمان، علم و عقل می‌باشند و سعادت اصلی را در معرفت؛ حقیقت و دانش می‌دانند. تمامی شبهات موجود را در نبود دانش کافی و مناسب و تقلید متعصبانه در دین می‌بینند. برای رفع دغدغه‌های کنونی مسلمانان به این امر قائل هستند که: «راه‌حل نه چنانچه در غرب مطرح است، در فکر و عقل صرف است و نه آنگونه که در شرق مطرح است، در قلب و روح. بلکه راه‌حل در تربیت متکی بر روشنگری عقلی- فکری- قلبی و در عمل متکی بر بخشش و اتحاد است نه تفرقه». این جریان همچون اندیشه‌های بدیع‌الزمان نوری، خواسته‌ها و مطالبات اسلامی خود را از مجاری فرهنگی و اجتماعی دنبال می‌کنند و تمایل چندانی به مداخله مستقیم سیاسی ندارند (قهرمان‌پور، ۱۳۹۰: ۱۰۴). این جریان فکری در جامعه ترکیه، به یکی از بزرگترین جنبش‌ها

و طریقت‌های اسلامی مبدل گشته است تمامی اقدامات عملی آنها مورد توجه رسانه‌ها و مردم در حوزه مذهبی و اجتماعی قرار گرفته است.

۵- فرقه‌گرایی جدید معنوی (اندیشه‌های عرفانی و اسلام اجتماعی)

آنچه که به وضوح مشخص است؛ اندیشه‌ها و دیدگاه‌های اسلام‌گرایان ترکیه بویژه اسلام اجتماعی، متأثر از عرفان بدیع‌الزمان نوری بوده که در حوزه عملی نیز دارای ویژگی‌های منحصر به فردی می‌باشد. همین امر باعث گردیده، اسلام مطرح شده طرفداران بی‌شماری را جذب نماید (امام جمعه‌زاده و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۸۵). در ادامه در جدول ذیل برخی از این ویژگی‌های عملی که برپایه عرفان تعریف شده بیان می‌گردد:

ردیف	ویژگی	ملاحظات
۱	تمایلات اسلام‌گرایانه	تمایلات اسلام‌گرایانه از جمله بارزترین خصوصیات می‌باشد. از مهم‌ترین اهداف اسلام اجتماعی ارائه الگوی تمدنی برای جهان اسلام با اتکا به عمل‌گرایی اسلامی با استناد به قرآن و سنت پیامبر (ص) و خلق جهانی مدرن و نو از قرآن و احادیث و سنت و پیگیری تفکر تشکیل امت اسلامی بوده است.
۲	صوفی‌گری	روش صوفی‌گری ریشه در سابقه اسلام‌گرایی مردم ترکیه دارد و باتوجه به تاریخ پرفرازونشیب دین‌گرایی و سرکوب آنها توسط کمالیست‌ها، انتخاب این روش امری قابل توجیه می‌باشد.
۳	آزادی در عمل	اسلام ترکیه هدفی به نام تربیت مسلمان مدرن دارد که دارای اخلاق اسلامی و آموزشی در علم و دانش معاصر در جهت ایجاد جامعه مدرن باشد. این مجموعه چند هدف مهم دارد: ۱- آگاهی‌بخشی به مسلمین؛ ۲- تبیین رابطه بین علم و دین؛ ۳- تجدیدنظر در قرائت سنتی از اسلام با تربیت نسل ایمان، دانش، اخلاق، عشق، محبت، انسانیت، آرمان‌گرایی و از خودگذشتگی
۴	حوزه خصوصی دین	اسلام‌گرایان اجتماعی ترک معتقد هستند که دولت، ضرورتی ندارد شریعت یا قوانین اسلامی را بکار گیرد. آنها به این مسئله اشاره می‌کنند که بیشتر قوانین و احکام اسلام درباره زندگی شخصی انسان‌هاست و فقط بخش کوچکی از آنها به حکومت و کشورداری مرتبط می‌شود. بهترین شکل حکومت از نظر آنها، این است که دموکراتیک باشد.
۵	تسامح با اقلیت‌ها	در گفت‌وگو با آنها بر این امر تصریح می‌شود که این امکان وجود دارد که انسان‌ها با یکدیگر گفتگو کنند. دلیل آنها این است که بین انسان‌ها ارزش‌های مشترکی وجود دارد و وجود این ارزش‌های مشترک خود معلول آن است که همه انسان‌ها مخلوق خدایی واحد هستند. این ارزش‌ها ارزش‌هایی اسلامی هستند و از آنجاکه اسلامی دینی جهان‌شمول است، این ارزش‌ها نیز جهان‌شمول هستند.

۶	وفاداری به سکولاریسم	سیاسی نمودن مذهب از دیدگاه اندیشمندان ترک بویژه گولن امری تقلیل‌گرایانه است زیرا ارتباط رمزآلود و معنوی میان انسان و پروردگار را به حد ایدئولوژی تقلیل می‌دهد. او در این باره می‌نویسد: «مذهب رابطه‌ای میان مردم و پروردگار است. حس مذهبی در اعماق قلب زنده می‌ماند، چنانچه اشکال آن را نشان دهید به معنی آن است که آن را خواهید کشت، سیاسی نمودن مذهب پیش از آسیب زدن به حیات حکومتی، به مذهب زیان می‌رساند».
۷	رابطه مسالمت‌آمیز دین و دموکراسی	از دیدگاه آنها اسلام و دموکراسی سازش‌پذیرند. دموکراسی موثرترین و شایسته‌ترین شکل حکومت در جهان امروزی است. آنها عقیده دارند که دموکراسی و اسلام سازش‌پذیرند. ۹۵ درصد قوانین اسلامی به زندگی خصوصی و خانواده می‌پردازد. فقط پنج درصد از این قوانین به موضوعات دولت مربوط است و این می‌تواند تنها درون بستر دموکراسی مهیا شود.
۸	وجه اجتماعی بودن	آنها اهداف ویژه‌ای برای خود در جهت عدالت اجتماعی تعریف کرده‌اند و سعی می‌کنند وجه اجتماعی خود را حفظ نمایند.
۹	سیاست‌های مشارکتی	در واقع اسلام آنها جنبشی سیاسی نیست، بلکه بیشتر صبغه اجتماعی دارد که قصدش تغییر قلوب و اذهان افراد در جهت تساهل‌پردامنه، مسئولیت اجتماعی و مدرن‌سازی از طریق دستاوردهای آموزشی است. اندیشه آنها اساساً به ترویج علم و معرفت و فناوری میان مسلمانان؛ توأم با تسامح و پذیرش تمام ادیان، دموکراسی قومی و لیبرالی تماماً در یکجا اعتقاد دارد. یکی از مهم‌ترین مولفه‌های گفتمان اسلام اجتماعی پیوند اسلام و آموزش است. بر این مبنا، در جامعه ترکیه در برابر اسلام‌گرایی سیاسی، اسلام‌گرایی آموزشی مطرح می‌باشد.

نتیجه‌گیری

رابطه بین دنیای عرفان و دنیای سیاست همواره یکی از بحث‌برانگیزترین مباحث بین متفکران و اندیشمندان بوده و هست. باتوجه به اینکه در برخی از موارد صاحب‌نظران از این رابطه بعنوان یک راه‌حل در اجتماع صحبت کرده‌اند، مناقشه بر میزان تأثیر این رابطه بیشتر گردیده است. در دنیای اسلام، کشور ترکیه از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بوده، چراکه توانسته ضمن پذیرش قواعد و احکام اسلامی، مباحث مرتبط با مدرنیته و عدالت اجتماعی را نیز به خوبی پیش ببرد. براساس نظر برخی از صاحب‌نظران این امر ریشه در جریان‌های مختلف فکری و اعتقادی موجود در آن کشور دارد که یکی از آنها جریان تصوف و عرفان هست. رابطه بین سیاست و عرفان در ترکیه غیرقابل کتمان است. حلقه اتصالات در اسلام اجتماعی ترکیه، اندیشه‌های دینی و عرفانی بدیع‌الزمان نوری بوده که البته در این بین رخدادهای سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و ... نیز بی‌تأثیر نبوده‌اند. اندیشه‌ها و تفکرات نوری به نوعی احیاگر تفکر اسلامی، دین‌شناسی و نظریه‌پردازی بوده است. همان‌طور که بیان گردید خود نوری نیز از تفکرات نقش‌بنده تأثیر فراوانی پذیرفته و همین امر سبب گردیده که یک اجتماع دینی را با ساختار صوفی‌گری ترسیم کند. وی سعی کرد با تغییرات و تحولات زمانه خود همگام شود و با استفاده از تفسیر پویا از عرفان و دین در شرایط بحرانی به شکل مطلوب عمل کند. در عرفان نوری رابطه بین شریعت و طریقت و همچنین نزدیکی به خدا با استفاده از ابزاری همچون واجبات دینی از اصول مهم به شمار می‌رود. طرفداران این اندیشه سعی کرده‌اند با پیوند علم و دین و بیان پروژه‌های فکری متعدد، رابطه جدیدی از طریقت‌های تصوفی با جامعه اجتماعی مطرح کنند. نوری تنها راه رسیدن به حقیقت را استفاده از قرآن می‌داند. طرفداران نوری بویژه گولن دشمنان امت اسلامی را جهل، فقر و تفرقه می‌دانند و اعتقاد دارند راه‌حل مشکلات فقط در جریان اسلام‌گرایی فرهنگی و اجتماعی و همچنین روشنگری عقلی و قلبی می‌باشد. این نوع دیدگاه توانسته طرفداران بی‌شماری را در ترکیه و حتی جهان اسلام به خود جلب نماید. آشنایی با تفسیری پویا از عرفان و دین می‌تواند در شناخت عرفان‌هایی نظیر عرفان نوری تأثیر بسزایی داشته باشد و همانگونه که در این مقاله به آن اشاره گردید، بی‌توجهی به حقیقت ایمان و اسلام شقاوت ابدی را در پی دارد. کسی بدون ایمان وارد بهشت نمی‌شود اما بسیاری کسانی که بدون طریقت وارد بهشت می‌شوند. تمثیلی در این زمینه اشتهار داشته که بیان می‌دارد، انسان بدون نان نمی‌تواند زنده بماند اما اگر میوه نخورد نخواهد مرد. تصوف میوه است و حقایق اسلامی حکم نان و غذا را دارد. نوری بر لزوم تبعیت از سنت پیامبر (ص) در طریقت‌های صوفیانه تأکید داشته و معتقد است، صوفیان باید در افعال و حرکات خویش از سنت پیامبر (ص) تقلید کنند و در کارها احکام شرعی را مورد توجه قرار دهند؛ بنابراین و باتوجه به تجزیه و تحلیل صورت گرفته، اینکه در شرایط کنونی کشور ترکیه، عرفان نوری با داشتن شاخص‌ها و ویژگی‌های خاص و برجسته خود، توانسته است، در ابعاد گوناگون فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و

اخلاقی مردم این کشور نقش مهمی را ایفا کند اثبات گردیده و چنانچه اشاره گردید مردم ترکیه به دنبال قرائت‌هایی از اسلام رفته‌اند که چندین دهه در برابر اسلام‌گرایی سیاسی فعالیت نموده است که این قرائت به اسلام‌گرایی اجتماعی و یا میانه‌رو موسوم است و این نشان دهنده آن است که اسلام‌گرایان اجتماعی در این کشور معتقدند، ضرورتی ندارد که دولت، شریعت یا قوانین اسلامی را بکار گیرد. در واقع اسلام آنها جنبشی سیاسی نیست، بلکه بیشتر صبغه اجتماعی دارد که قصدش تغییر قلوب و اذهان افراد در جهت تساهل پر دامنه، مسئولیت اجتماعی است، آنها به این مسئله اشاره دارند که بیشتر قوانین و احکام اسلام درباره زندگی شخصی انسان‌هاست و فقط بخش کوچکی از آنها به حکومت و کشورداری مرتبط می‌شود. یکی از اهداف غایی این مقاله این است که بیان دارد، روش صوفی‌گری ریشه در سابقه اسلام‌گرایی مردم ترکیه داشته و باتوجه به تاریخ پرفرازونشیب دین‌گرایی و سرکوب آنها توسط کمالیست‌ها، انتخاب این روش امری قابل توجیه در فرهنگ سیاسی مردم این کشور به نظر می‌رسد.

فهرست منابع

- ۱- ارول قلیچ، محمود (۱۳۸۲)، «تصوف در آسیای صغیر و بالکان»، *دانشنامه جهان اسلام*.
- ۲- ازدالگا، الیزابت (۱۳۸۹)، *نقشبندیه در آسیای غربی و مرکزی، تغییر و تداوم*، ترجمه: فهیمه ابراهیمی، تهران: ۹۷ نشر نی.
- ۳- امام جمعه‌زاده، سید جواد (۱۳۹۲)، «گفتمان هویت در ترکیه از کمالیسم به اسلام‌گرایی با تأکید بر حزب عدالت و توسعه»، *فصلنامه آفاق امنیت*، دوره ۱، ش ۳.
- ۴- امام جمعه‌زاده، جواد و همکاران (۱۳۸۹)، «چرخش گفتمانی در راهبردهای اسلام‌گرایان ترکیه و علل آن»، *فصلنامه آفاق امنیت*، س ۳، ش ۶.
- ۵- انتخابی، نادر (۱۳۹۲)، *دین، دولت و تجدد*، تهران: انتشارات هرمس.
- ۶- زارع، محمدرضا (۱۳۸۲)، *علل رشد اسلام‌گرایی در ترکیه*، تهران: انتشارات قدیری.
- ۷- سجادی، ضیاء‌الدین (۱۴۲۳)، *مقدمات تأسیسیه فی‌التصوف و العرفان و الحقیقه المحمدیه*، ترجمه: احمد الاشتیانی و همکاران، بیروت: نشر دارحیاه.
- ۸- فکری، محمد و همکاران (۱۳۹۲)، «بررسی جامعه‌شناسی جنبش فتح‌اله گولن بر مبنای نظریه بسیج منابع»، *مجله مطالعات اجتماعی ایران*، دوره ۷، ش ۳.
- ۹- فلاح، رحمت‌اله (۱۳۸۹)، «ماهیت‌شناسی جنبش اسلامی فتح‌اله گولن در ترکیه»، *فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام*، س ۱۱، ش ۴۳.
- ۱۰- قهرمان‌پور، عسگر (۱۳۹۰)، «پدر اسلام سیاسی یا اجتماعی»، *فصلنامه مهر*، ش ۱۰.
- ۱۱- کمالیان، عزیز و صالحی نجف‌آبادی، عباس (۱۳۹۴)، «رابطه عرفان و سیاست در اندیشه سیاسی با تأکید بر دولت امامت‌گرای عرفان محور اسماعیلیان نزاری (حسن صباح)»، *فصلنامه عرفانیات در ادب فارسی*، ش ۲۴.

- ۱۲- مطهری، مرتضی (۱۳۷۳)، **آشنایی با علوم اسلامی**، ج ۲، قم: انتشارات صدرا.
- ۱۳- موثقی گیلانی، احمد و اعتمادی فرد، امین (۱۳۹۳)، «زمینه‌های تفاوت اسلام‌گرایی در ایران و ترکیه»، **دوفصلنامه مطالعات تاریخی جهان اسلام**، س ۲، ش ۴.
- ۱۴- نوازی، بهرام (۱۳۹۳)، «فتح‌اله گولن و جنبش اجتماعی سیاسی وی در ترکیه»، **فصلنامه مطالعات-سیاسی جهان اسلام**، س ۳، ش ۱۰.
- ۱۵- نورالدین، محمد (۱۳۸۲)، **ترکیه جمهوری سرگردان**، تهران: موسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور.
- ۱۶- نوروزی فیروز، رسول (۱۳۹۲)، «فراز و فرود جریان‌های اسلامی در ترکیه معاصر و نسبت آن با انقلاب اسلامی»، **پژوهش‌های منطقه‌ای**، ش ۲.
- ۱۷- وفایی، داود (۱۳۸۰)، **ریشه‌های غرب‌گرایی و اسلام‌گرایی در ترکیه**، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- ۱۸- ولدبیگی، صفر (۱۳۹۵)، **تأثیر اندیشه‌های سیاسی؛ اسلامی بدیع‌الزمان سعید نوری بر اسلام سیاسی با تأکید بر حزب عدالت و توسعه**، تهران: نشر احسان.

